

چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۹۷ ۶ رجب ۱۴۴۰ ۱۳ مارس ۲۰۱۹ سال شانزدهم، شماره ۴۳۲۹

نشست روز

داستان کوتاه بهاران



نگاه آخر در اسفند روز بزرگداشت نظامی

علی اصغر محمدخانی

مسوولیتی که در قبال نظامی داریم



ا ثا ر نظامی گنجوی توانایی های منحصر به فردی دارد که فراتر از مرزهای فرهنگی ای می رود که آن را تولید کرده است و می تواند با مخاطبان مختلف در جهان با سنجه ها و سلیقه های متفاوت گفت و گو کند و بدین سبب است که نظامی یکی از پنج سخن سرائی بزرگ ایران و یکی از سرایندگان بزرگ ادبیات جهان است. نظامی بزرگ ترین سراراینده منظومه های عاشقانه است و شاعری ایران دوست و ایران ستاست و مهوری بر آثاری که در یک سال گذشته از نظامی و در باره او در ایران منتشر شده، نشان می دهد که نظامی پژوهی از نظر انتشار آثار بدیع و تحلیلی رشد مناسبی نداشته و آثاری که منتشر می شود، تکرار حرف های گذشتگان است. ضرورت دارد که دانشگاه ها و مراکز فرهنگی توجه بیشتری به گنجینه ادبی نظامی کنند.

در سال ۹۷ مجموعا ۵۵ عنوان کتاب با شمارگان ۴۶ هزار نسخه از نظامی و درباره نظامی منتشر شده که لیلی و مجنون با ۱۵ بار انتشار و ۲۳۰۰ نسخه و خسرو شیرین با ۱۴ بار انتشار و شمارگان دوازده هزار نسخه با اقبال بیشتری روبه رو بوده است. پس از آن هفت پیکر ۹ بار در این سال منتشر شده است. درباره اندیشه و آراء نظامی نیز ۷ عنوان کتاب به چاپ رسیده است.

نظامی شاعری است که شاعری را با اشعار کوتاه آغاز کرد و سپس در حدود چهل سالگی به منظومه سرائی پرداخت و از این بابت به فردوسی شباهت دارد و بیش از همه از فردوسی و شاهنامه تاثیر پذیرفته است، ولی پس از نظامی، سرایندگان بسیاری در هند و ایران و ترکیه به تقلید از منظومه های نظامی پرداخته اند از امیر خسرو دهلوی تا جامی، وحشی بافقی، مکتبی شیرازی، فضولی بغدادی و شاعران دیگر. کمتر شاعری در ادب فارسی مانند نظامی داریم که این تعداد مقلد داشته باشد و در میان آثار شاعران پارسی گوی، منظومه های نظامی بیش از کتاب های دیگر سرمشق شاعران قرن های بعد شده و نظیردهای بسیاری برای آنها پدید آورده است. هنوز اندیشه ها و حکمت نظامی به خوبی تبیین و تحلیل نشده و در آثار نظامی حکمت و گرایش های فلسفی مشهود است و بی سبب نیست که لقب حکیم گرفته است. ایران دوستی نظامی به همراه دین ورزی اوست همه آثارش سرشار از اشاره به اساطیر و تاریخ و روایات کهن است که همیشه با غرور و احترام از آن یاد می کند و بیان می یابد و توجه او به آموزه های دینی در تمام آثارش به ویژه دیباچه های او در خمسة، حکایت از ایمان عمیق او به توحید و یادت اسلام و از ادب به پیامبر صا دارد و در آثارش بارها به اخلاق زهد و گوشه نشینی و شیزندمداری و روزه گرفتن و چله نشستن خود اشاره کرده است. با اینکه نظامی پژوهان جهان چون هلموت ریتز، یان ریکبار، برتلس، الساندرو باورزانی، کریستوفر بولکل، کارلو سسکونی و پائولا اورسانی آثار نظامی را ترجمه و درباره او مقاله و کتاب نوشته اند، اما این نظامی پژوهان بیشتر در آلمان، چک، روسیه، ایتالیا، فرانسه، انگلیس و... به این زبان ها آثار آفریده اند و آثار نظامی به بسیاری از زبان ها برگرفته از زبان فارسی است و به بسیاری از زبان ها دیار تمان های زبان در کشورهای دیگر، رایزنی های فرهنگی جمهوری اسلامی در ایران و مراکز ادبی و فرهنگی در سال های آتی، نظامی پژوهی رونق بیشتری در داخل و خارج از کشور داشته باشد. نامگذاری روزهایی برای بزرگداشت مفاخر ادبی و فلسفی و دینی در تقویم حافظ قلم برای افتخار کردن به این بزرگان نیست، بلکه همه ما در برابر آثاری که این بزرگان آفریده اند، مسوولیت داریم و به سهم خود باید با ترویج اندیشه ها و آثار شاعران و فیلسوفان و بزرگان ادای دینی به این بزرگان داشته باشیم و هنر مندان، نویسندگان، متفکران تاملی در معرفی نظامی با قالب های نوین و ابتکارها هنر مندانه داشته باشند.

هشتگ روز

زیدان کبیر به رئال مادرید بازگشت

طرفداران رئال مادرید دوشنبه شب با خیابان‌های گشت زین‌الدین زیدان به این تیم خوشحال شدند. طرفداران رئالی توپیتز فارسی هم به جمع این خوشحالتان پیوستند و به این ترتیب هشتگ «زیدان» داغ شد. البته در مواجهه با این خیبر، طرفداران تیم فوتبال بار ساسم ساکت‌نماندند و طبق معمول همیشه کل کل فوتبالی در توپیتز فارسی شکل گرفت. آنچه می‌خوانید منتخبی از این توپیت‌هاست:

«کسای که امسال طرفدار یووه شده بودن با بازگشت زیدان به رئال دارن به مادرید برمیگردن»، «ویدیو چه خوب کردی اووووومدی»، «از ۳۱ تا ۲۰۱۸ تا امروز چه بر رئال مادرید گذشت؟»، «شوندگان عزیز تو چه فرمایید! شوندگان عزیز تو چه فرمایید! زیدان کبیر به رئال مادرید بازگشت»، «هافبای فلورنتینو پرس با گذشتن کله اسب درختخواب زیدان او را مجبور به قبول هدایا رئال مادرید کرد»، «فوری زیدان هم به برنابئو رسید و تا دقایقی دیگر رسمی خواهد شد»، «رئال مادرید آخرین سلسله پادشاهی است که سقوط می‌کند. در پایتختش، جلوی چشم آن همه آدمی که گمان نمی‌کردند پایان اینقدر نزدیک و محتوم باشد». بخونیدش یکم از ۲۴۰

اختتامیه دومین دوره جایزه داستان کوتاه بهاران در موسسه فرهنگی-هنری بهاران خرداندیشه برگزار می‌شود. در این دوره حدود ۸۰۰ داستان به‌دست‌برگزار کنندگان رسیده‌است که از میان آنها ۱۰ داستان برگزیده و تقدیر خواهند شد و جایزه ویژه به سه نفر نخست تعلق می‌گیرد. دومین دوره جایزه داستان کوتاه بهاران با هدف تشویق نوشتن و ایجاد انگیزه برای جدی گرفتن داستان نویسی با عنوان «قصه مرانمی دانی» آغاز به کار کرد. دبیر دومین دوره جایزه داستان کوتاه بهاران، شرمین نادری و داوری داستان‌ها به‌عهده کیوان آرزاقی، شرمین نادری و سروش روح‌بخش بوده‌است. اختتامیه این جایزه امروز، ساعت پنج‌بعدازظهر در موسسه بهاران خرداندیشه برگزار می‌شود.

۲۲ اسفند، ۱۳ مارس، ۶ رجب

مرتضی میرحسینی

زندگی و آثار هاوارد فاست



مرگ هاوارد فاست: از میان نویسندگان سرشناسی که تاریخ را زمینه مناسبی برای داستان گویی و بیان حرف های خودشان می دیدند، نام هاوارد فاست امریکایی نامی در خور اعتناست. زندگی او آن قدر جالب و غنی است که حتی اشاره به مهم ترین رویدادهای آن هم در اینجا ممکن نیست. او پس از سیزر و سیاحت در گوشه و کنار دنیا به مارکسیسم دل بست، با چپ های کشورش همراه شد و همکاری ثابت و مستمری را با روزنامه دپلی ورکر آغاز کرد. این روزنامه ارگان حزب کمونیست امریکا محسوب می شد و نوشتن برایش در آن دوره (نیمه های قرن بیستم) در دسرهای فراوانی را به همراه داشت. فاست نه برای همکاری با این روزنامه که به جرم توهمین به کنگره امریکا مدتی به زندان افتاد و حتی در دورهای برای انتشار آثارش با مشکلات زیادی مواجه شد. البته با سرسختی و صبوری از همه موانع گذشت، به نوشتن ادامه داد و از همین مسیر به شهرت و ثروت فراوانی دست یافت. وی انسانی آرمانگرا بود و همین آرمانگرایی سرانجام به دلزدگی او از استالین و حکومت شوروی منجر شد. این سرخوردگی آن قدر زیاد بود که او جایی در مسیر زندگی خود راهش را از راه رفقای قدیمی جدا کرد و رسماً از جمع اعضای حزب کمونیست خارج شد. حدود نود اثر از فاست به جای مانده است که چندانی از آنها نسبت به سایر آثار او شناخته شده ترند. مثل «راه آزادی» که داستان نقش آفرینی سیاهان دوشادوش سفیدپوستان در توسعه امریکاست یا «اسپار تاکوس» که ماجرای مهیج و خونین شورش بزرگ بردگان در دوران باستان و جنگ های آنان با رومی ها را روایت می کند و بعدها فیلم مهم و جریان سازی به همین نام به کارگردانی استلی کوپر یک از روی آن ساخته شد یا «شهرودن تام پین» که زندگینامه داستانی انقلابی مشهور امریکا و نقش او در جنگ های استقلال این کشور است و «امریکایی» که داستان کوشش های یک سیاستمدار فسادناپذیر در دوره ساخته به نام جان پیتز الکلدر برای احیای جمهوری حقیقی در امریکاست. بسیاری از آثار فاست به فارسی هم ترجمه شده اند و در بازار کتاب کشور ما موجودند و خواندن آنها برای آشنایی بیشتر با گوشه هایی از تاریخ جهان، به ویژه گذشته ایالات متحده امریکا بسیار سودمند است. فاست دوازدهم مارس سال ۲۰۰۳ ز دنیا رفت.

همچنین اعلام رسمی دستگیری دکتر حسین فاطمی از سوی فرمانداری نظامی تهران؛ فاطمی در ماه های آخر نخست وزیری مصطفی وزیر امور خارجه بود و بی پروا از خلع محمد رزاشاه و تغییر نظام ایران از مشروطه سلطنتی به جمهوری سخن می گفت. او بعد از کودتاگریخت و چند ماه نوشته هنریک ایبسن در لندن به روی صحنه رفت. «اشباح» یکی از جتجالی ترین و بهترین آثار این نمایشنامه نویس نروژی محسوب می شود و در زمان خود به خاطر بی اعتنائی به اخلاقیات آن روزگار، سروصدا ی زیادی به پا کرد (۱۸۹۱)، کشتار مدرسه پرست می گویند. فقط او سخن ورانه تر همان حرف ها را بیان و از فشار بیشتر به مردم ایران همیلتون وارد مدرسه شد و کودکان خردسال را به رگبار بست و شانزده بچه و معلم شان را کشت. دوازده بچه دیگر و چند بزرگسال نیز در این تیراندازی زخمی شدند. همیلتون بهمانجا خودکشی کرد و انگیزه واقعی او هرگز به درستی معلوم نشد (۱۹۹۶).

بزرگداشت لیلیت تریان



مراسم بزرگداشت لیلیت تریان هنرمند مجسمه ساز روز شنبه ۲۵ اسفند از سوی انجمن هنرمندان مجسمه ساز ایران در خانه هنرمندان برگزار می‌شود. لیلیت تریان از هنرمندان پیشک‌ساز مجسمه‌سازی ایران و ملقب به مادر مجسمه‌سازی ایران روز ۱۶ اسفندماه ۹۷ در سن ۸۸ سالگی درگذشت. او عضو کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود ایران در روز ترفه‌نگ و هنر قبل از انقلاب اسلامی، عضو هیات داورى نخستین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران و عضو هیات موسس انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران بود که نمایانگاه‌های انفرادی و گروهی بسیاری را نیز در زمینه مجسمه‌سازی بر گزار کرده بود.

تیتیر مصور | بازگشت زیدان به رئال مادرید

آسیب سوزن



زمانه بر خورد

پژوهشگر ارشد؛ شارلاتان بزرگ



اولین بار نام مهدی خلجی را ۹ سال پیش روی جلد داستانی دیدم که آن را یک نفس در عرض چند ساعت خواندم. داستان فضای جذابی داشت، قلمش به دلم نشست و بود و نام نویسنده اش ذهنم را مشغول کرد. حسب حال در این باره را به استادم گفتم که از فضا خلجی هم زمانی شاگرد او بوده است. از هوش و استعدادش گفت و از اینکه زبان عربی جدید را بسیار خوب بلد است. زندگینامه اش را خواندم و با سیر تحولش از قم تا اروپا آشنا شدم. با تعریف‌هایی که از او شنیده بودم و مطالبی‌هایی که از او دیده بودم، گمان می‌کردم فارغ از هر رویکرد سیاسی که از او به‌دارد آخرالمر با یک روشنفکر قوی مواجه خواهیم شد. هر چه گذشت اما گمانم به خیال باطل نزدیک‌تر می‌شد تا حقیقت. به‌خصوص وقتی می‌دیدم در مقام تحلیل‌گر سیاسی و پژوهشگر دینی در شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان حاضر می‌شود و با آن دانشی که از او سراغ داشتم، همان چیزی را بیان می‌کند که بچه ننه‌های بی‌سواد پهلوی پرست می‌گویند. فقط او سخن‌ورانه تر همان حرف‌ها را بیان و از فشار بیشتر به مردم ایران همیلتون وارد مدرسه شد و کودکان خردسال را به رگبار بست و شانزده بچه و معلم شان را کشت. دوازده بچه دیگر و چند بزرگسال نیز در این تیراندازی زخمی شدند. همیلتون بهمانجا خودکشی کرد و انگیزه واقعی او هرگز به درستی معلوم نشد (۱۹۹۶).

#زیدان

«زین‌الدین زیدان فقط اسم بازیکن نیست. اسطوره‌س»، «چو دیدن آنها ندارد یکی جهان هستی و دیگری بازی دادن زیدان به «کریم بنما» البته در مورد اولی مطمئن نیستم»، «ولی «زین‌الدین زیدان» بیشتر بهش میخوره تخلص ناصرالدین شاه باشه»، «زنگشت قرب‌الوقوع زیدان به رئال مادرید، منابع معتبر خبری در اسپانیا و فرانسه تأیید کرده‌اند که امشب سولاری از هدایت رئال مادرید اخراج و زیدان دوباره هدایت این تیم را بر عهده می‌گیرد، زیدان فردا بر سر تمرین رئال مادرید حاضر می‌شود»، «زیزو برگشت، زین‌الدین زیدان ۱۰ ماه پس از ترک رئال مادرید قرار است به‌این تیم بازگردد و از فردا در تمرین شرکت می‌کند. او جانشین سانتیاگو سولاری می‌شود که کمتر از ۵ ماه مربی رئال بود. رئال الان با ۱۲ امتیاز اختلاف نسبت به بارسلونای صدرنشین، در رتبه سوم لالیگا است»، «زیدان طی سه سال حضور در رئال مادرید به عنوان مربی سه‌بار فاتح چمپیونز لیگ شد و با کوله‌باری از افتخار در بهترین شرایط (در اوج) این تیم را ترک کرد. بازگشت اسطوره فرانسیو به مادرید اما این‌بار در بدترین شرایط صورت می‌گیرد، هیچ تضمینی برای سرِ ماتر بازی در داره انتقام اون ضربه سر زیدان رویمیکره».

Info@etemadnewspaper.ir

اعتقاد

info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** ابیاس حضرتی
- جانشین مدیرمسئول و رئیس شورای سیاست‌گذاری:** بهروز بهزادی
- سرمدیر:** سیدعلی میرفتاح
- معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
- مشاور مدیرمسئول:** محمدحضرتی
- رئیس سازمان آگهی‌ها:** علی‌حضرتی
- نشانی:** خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پن بست مینو
- تلفن:** خانه ۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ تماس: ۶۶۱۲۴۰۲۱ ■ ۶۶۱۲۴۰۲۲
- توزیع:** نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۹۱۲۳۰۰۰
- چاپ:** همشهری (۳) ■ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶

■ اذان ظهر: ۱۲/۱۴ ■ غروب آفتاب: ۱۸/۱۰ ■ افان مغرب: ۱۸/۲۸ ■ صبح فردا: ۴/۵۴ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶/۱۷

متن در حاشیه

کاوه فولادی نسب

پرده‌ای در خیال، برای اسفند



طبق عادت، پیش از آماده شدن و بیرون رفتن از خانه می‌روم سمت پنجره ببینم آب‌وهوا در چه وضعی است. چتر لازم است بردارم یا نه. آسمان آفتابی است. اما یک چیزی عجیب است؛ اینکه آبی هم هست. انگار مدت‌هاست تعطیلات عید شروع شده و ترافیک کم و هوا تمیز است. چیزهای عجیب، اگر بر وفق مراد آدم باشند، دلیل شان چندان اهمیتی ندارد. مگر تمام سال و تمام این سال‌ها برای داشتن آسمان آبی گلولی‌مان را پاره نکرده‌ایم؟ و حالا آسمان آبی است؛ درست وقتی که هیچ توقعش را ندارم. البته که این دومی هیچ مهم نیست. می‌زنم بیرون؛ توی کوچه بقال محل را می‌بینم که دارد رکاب‌زنان می‌رود سمت دکاش. وقتی دستش را از روی فرمان دوچرخه برمی‌دارد تا زبان بدن سلام‌وعلیکی با من بکند، دوچرخاش قیف‌از می‌رود و چیزی نمانده برود توی آخرین درختی که در کوچه باقی مانده و دوستی و محکم فرمان را می‌گیرد و پیش از آنکه بلایی سر خودش بیاورد چرخش یا تک‌چنار کوچه بیابرد، تعادلش را بازمی‌یابد. سکوت غربیی در فضا حکمفرماست. اما کم‌کم دارم فکری می‌شوم. یک چیزی عادی نیست؛ چی؟ نمی‌دانم. کوچه را تا ته می‌روم و به خیابان که می‌رسم، دو شاخ روی سرم جوانه می‌زند. خیابان خلوت است. خلوت که نه؛ خالی. گردن می‌کشم؛ تا دور دست‌ها خبری نیست. نه ماشین‌ی می‌آید و نه ماشین‌ی می‌رود. دستفروش‌ها کنار پیاده‌رو باسط کرده‌اند و برعکس خیابان‌ها که خالی و متروکند، پیاده‌روها حسابی رونق دارند. چند دختر و پسر چهار، پنج‌ساله دارند توی خیابان لای‌لی می‌کنند. ناخوداگاه‌نگاهی به پشت‌سر می‌اندازم. ببینم ماشین‌ی در راه نباشد و خطری بچهارم تهدید نکند. دلیلیگ‌دیلینگ بوق دوچرخه‌ای حواسم را سرجامی آورد. می‌کشم کنار. مرد بقال است. اسمش را نمی‌دانم. چیزی به‌ذهنم می‌رسد. برایش دست‌تکان می‌دهم. می‌رسد کنارم و ترمز می‌کند. لیخند پهنی نشسته روی صورتش. نفس نفس می‌زند. می‌گویم: «می‌دوین امروز چه خبر شده؟» «اشبیطلمت می‌گوید (خبر خاهی که نشده. همه چیز عادی.» اشاره‌ای به خیابان می‌کنم و می‌گویم: «این عادی؟» «الان باید جای سوزن انداختن هم نباشه اینجا.» نگاهش را از خیابان می‌گیرد و همراه لیخندگی که دوباره بخش می‌کند توی صورت‌م، می‌گوید: «همه‌با هم قرار گذاشته‌یم این روزای آخر سالی، جز برای کارای خیلی مهم و ضروری، ماشینمون رو راه نندازیم. توی خیابون. این طوری، هم آسمون پاک‌تر می‌شه، هم نفس‌ماهاوار تر، هم سروصدا کمتر و هم شهرن‌ما تر. نیست؟» منتظر جواب‌م نمی‌ماند. انگار با خودش می‌گوید: «دیرم شد. برم که مشتری منتظر».

رنج هم‌وطنانت نباشی. اما قصه خلجی در همین‌جا هم نماند و در نورددین مرزهای فرصت‌طلبی ر کوردهای جدیدی ثبت کرد. رسوایی اخیر او و همسرش را همگی شنیده‌ایم. دیروز متنی از او منتشر شد که در ادامه مرد دندبازی‌هایش، در مقام قربانی مظلومی که مورد آماج روزنامه‌نگاران ستمگر قرار گرفته است، چنان خود را نشان می‌دهد که گویی جز حقیقت در زندگی‌اش چیزی نگفته و جز به دنبال حق رفتن کاری نکرده است. گویی خلجی «عطار نیشابوری» است و «ره مسجد و میخانه هر دو بر او حرام شده»!

مورد خلجی فارغ از همه پیچیدگی‌هایی که دارد در یک تصویر کلی قابل فهم تر است؛ هنگامی که او مشغول کار روزانه‌اش و پژوهش بر چگونگی سیطره بیشتر امریکا بر منطقه است (در این میان بیش از همه باید به اسرائیل هم فکر کند) و هنگامی که او مشغول توجیه تحریم‌هایی است که تنها و تنها مردم را نشانیه می‌رود، پدری مانند خودش در داروخانه‌های ویژه در به‌در داروهای خاصی است که از سر تحریم نایاب و بسیار گران شده است. این عجب‌تر که او از پس کار روزانه‌اش به پیش کسی باز می‌گردد که پول همین مردمان را از پس فضای تحریم و دورزدن آن بالا کشیده‌است. نه جناب خلجی، این‌بار دیگر زیست تکنو کرات محقق گرفتن به شما نمی‌آید، حتی خواندن قلم‌زبای‌تان هم دیگر مشمژکننده‌است. شاید برای ما قابل تحمل تر باشد که عکست از کارنو و زمین گلف بیرون بیاید تا اینکه هم چنان زیست روشنفکری و حقیقت‌طلبی‌گیری و لطافت‌البافی.

عکس‌نویشت



در حوالی اسفند ماه و رسیدن بهار، اتفاق‌های خوبی در گوشه و کنار این سرزمین رخ می‌دهد؛ اتفاق‌هایی مثل «طرح امداد فرهنگی کانون پرورش‌ی کودک و نوجوان» که به زاهدان رسیده و خبر گزاری میزان در گزارشی تصویری، این طرح را پوشش داده. میزان نوشته است: «طرح امداد فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با حضور زمردیان معاون فرهنگی و قاسم تنها، در مانده بسیج کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کشور در منطقه کورین از توابع شهر زاهدان با اجرای برنامه‌های متنوع فرهنگی و ورزشی روز دوشنبه (۲۰ اسفند) بر گزار شد.» عکسی که می‌بینید از این مجموعه انتخاب شده است.



در ستایش جز بیات

سید حسن اسلامی اردکانی



فلج انتخاب

تصور کنید خانواده‌ای سه نفره هستید و بعد از مدت‌ها وارد رستورانی می‌شوید و پشت میزی می‌نشینید تا سفارش غذا بدهید. برای تان منو، یا لیست خوردنی‌ها را می‌آورند. گارسون می‌آید سفارش بگیرد. نگاهی به منوی پسر و پیمان می‌اندازد، صفحه اول به پیش غذا و انواع سالاد اختصاص دارد. نگاهی می‌کنید و می‌گویید سالاد فصل برای تان بیاورد. بعد می‌روید صفحه بعدی که مربوط به غذای اصلی است. به آن هم، البته با دقت بیشتر، نگاهی می‌کنید و یک پیترزای سبزیجات سفارش می‌دهید. گارسون می‌رسد دیگر امری ندارید؟ می‌نگاهی به صفحه سوم می‌کنید و بدتان نمی‌آید که دسرهای آن امتحانی کنید و یکی را با انگشت نشان می‌دهید! البته هنوز نوشیدنی را انتخاب نکرده‌اید و چند ثانیه‌ای سراف آن می‌کنید. خب، انتخاب شما تمام شد. اما همسر تان هنوز تصمیم نگرفته است و کمی نیاز به مشورت دارد. از این مرحله که بگذرد، تازه نوبت فرزند دلبندتان است که هم قادر به خواندن نیست و شما باید برایش تصمیم بگیرید و هم می‌خواهد خودش انتخاب کند و شما فقط باید کمکش کنید. خب، بخشی از وقت من و شما اینگونه صرف تصمیم‌گیری می‌شود.

البته ممکن است کسی اعتراض کند که ما هل این رستوران ها نیستیم و دخل‌مان به خرج‌مان نمی‌خورد و ... اشکالی ندارد، می‌توانیم سریع سنار یو را عوض کنیم. به مناسبت ایام عید فلان فروشگاه زنجیره‌ای معروف همه اجناس خود را با تخفیف قابل توجهی برای فروش عرضه کرده است. فرصت محدود است و جنس فراوان. از این دیگر نمی‌توان گذشت و می‌خواهید «ها» بحتاج» خود را فقط بخرید. در این فروشگاه از شیر مرغ تا جان آدمی‌زاد یک می‌شود. وارد قسمت تصمیم‌دها می‌شوید، با انواع آنها مواجه هستید و این قدر خوب است که نمی‌دانید کدام یک را انتخاب کنید. همین فرصت انتخاب در بخش لپیات و حبوبات و خلاصه همه جا دیده می‌شود. گمان راحت می‌شود تصمیم گرفت. اما زمانی اینقدر تفاوت اندک و جز بهانه‌ها فراوان است که شما دیگر گیج می‌شوید. اینجااست که فلج انتخاب رخ می‌دهد.

ایمن بخشی از زندگی مصرفی ما را تشکیل می‌دهد که همواره در حال انتخاب هستیم چه برای خوردن نهار و چه برای دیدن فیلم و چه برای رفتن به جایی.

البته خوب است که قدرت انتخاب با بالا و گزینهای پیش روی‌مان متعده باشد، اما این قدرت از حدی که گذشت و هم‌زندگی ما را فراگرفت، دچار نوعی درمادنگی در انتخاب می‌شویم.

انگاه باید بخش قابل توجهی از زندگی خود را صرف این نوع انتخاب‌ها کنیم. بری شوارتز در کتاب «پارادکس انتخاب» این معضل را به تفصیل توضیح داده، پیامدهای آن را بر شمرده و شیوه روبرویی با آن را بازگفته است. وی روزی برای خرید شلوار جین رفته بود. فروشنده پرسید: چسبان یا آزاد؟ سنگشور یا اسیدشور؟ فلان یا پهامان؟ گفت «معمولی». فروشنده نمی‌دانست «معمولی» یعنی چه. با بارش‌دش صحبت کرد تا سرانجام برایش شلوا ری آورد.

توجه شوارتز به این جلب شد که در گذشته با پنج دقیقه‌ی شد یک شلوار خرید اما الان بیش از آن وقت می‌گیرد.

همین تجربه، دست‌مایه او شد تا کتاب «پارادکس انتخاب: چرا بیشتر کمتر است» را بنویسد و ادعا کند افزایش گزینه‌ها به ظاهر آزادی ما را بیشتر می‌کند و ارزنده‌اند، اما عملاً چنین نیست؛ زیرا با افزایش گزینه‌ها معضلاتی رخ می‌دهد. از جمله آنکه:

۱- دچار فلج انتخاب می‌شویم.

۲- حتی اگر بهترین انتخاب را انجام بدهیم، باز بعدا فکر می‌کنیم می‌توانستیم گزینه دیگری انتخاب کنیم.

۳- هزینه فرصتی را متحمل می‌شویم و همیشه وقتی را به انتخاب‌های خود اختصاص می‌دهیم

۴- به میزانی که امکان انتخاب ما زیاد باشد، عملاسطح انتظاراتمان بالا می‌رود و این به جای تأمین شادی زندگی، مایه بدبختی می‌شود.

۵- وقتی امکان انتخاب مسترده داریم و بعد پشیمان شویم، چه کسی مقصر است؟ طبیعتاً خودمان و همواره به خودمان می‌گوییم که نباید این انتخاب را می‌کردم و خود را ملامت می‌کنیم و در درازمدت افسرده می‌شویم. پس خوب است هنگامی که پای در فروشگاهی بزرگ می‌گذاریم یا لیستی بلند بالا مرور می‌کنیم، مراقب پارادکس انتخاب باشیم. در یادداشت دیگری به برخی شیوه‌های غلبه بر فلج انتخاب می‌پردازم.